



اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۸۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای سید روح الله موسوی

مقدمه

در مباحث گذشته دلیل شرعی را بر دو قسم کلی تقسیم کردیم: دلیل شرعی لفظی و دلیل شرعی غیر لفظی (لبی). پس از اتمام مباحث مربوط به دلیل لفظی، فعل معصوم را - که دلیلی لبی محسوب می‌شود - مورد بررسی قرار دادیم. به طور کلی غیر ملفوظ بودن ادله لبی، اخذ دلالت از آنها را با پیچیدگی‌هایی مواجه می‌کند و به همین دلیل است که اطلاق‌گیری از ادله لبی امکان‌پذیر نیست و در مورد آنها باید به قدر متیقن اکتفا کرد. یکی دیگر از دلایل شرعی غیر لفظی، سکوت معصوم در مواجهه با عملکرد دیگران است. شهید صدر تلاش کرده است تا از طرق مختلفی، دلالت سکوت معصوم بر امضا و تأیید را به اثبات برساند. این تلاش علمی بر دو اساس عقلی و استظهاری شکل گرفته است که در درس پیش رو به آن خواهیم پرداخت.

متن درس

دلالة السكوت و التقرير:

و اما السكوت فقد يقال: إنه دليل الإمضاء و توضيح ذلك، ان المعصوم إذا واجه سلوكا معيناً، فاما ان يبدي موقف الشرع منه، و هذا يعنى وجود الدليل الشرعى اللفظى، و اما ان يسكت، و هذا السكوت يمكن ان يعتبر دليلاً على الإمضاء، و دلالة على الإمضاء تارة تدعى على أساس عقلى، و أخرى على أساس الظهور الحالى. اما الأساس العقلى فيمكن توضيحه: إما بملاحظة المعصوم مكلفاً، فيقال: إن هذا السلوك لو لم يكن مرضياً لوجب النهى عنه على المعصوم لوجب النهى عن المنكر، أو لوجب تعليم الجاهل، فعدم نهيه و سكوته مع عصمته يكشف عقلاً عن كون السلوك مرضياً، و اما بملاحظة المعصوم شارعاً و هادفاً، فيقال: إن السلوك الذى يواجهه المعصوم لو كان يفوت عليه غرضه بما هو شارع لتعين الوقوف فى وجهه، و لما صح السكوت لأنه نقض للغرض، و نقض الغرض من العاقل الملتفت مستحيل.

و كل من اللحاظين له شروطه، فاللحاظ الأول يتوقف على توفر شروط وجوب النهى عن المنكر. و اللحاظ الثانى يتوقف على ان يكون السلوك المسكوت عنه مما يهدد بتفويت غرض شرعى فعلى بان يكون مرتبطاً بالمجال الشرعى مباشرة، كالسلوك القائم على العمل بأخبار الآحاد الثقافات فى الشرعيات، أو ناشئاً من نكتة تقتضى بطبعها الامتداد إلى المجال الشرعى على نحو يتعرض الغرض الشرعى للخطر و التفويت، كما لو كان العمل بأخبار الآحاد قائماً فى المجالات العرفية، و لكن بنكتة تقتضى بطبعها تطبيق ذلك على الشرعيات أيضاً عند الحاجة.

و اما الأساس الاستظهارى فيقوم على دعوى ان ظاهر حال المعصوم - بوصفه المسئول العام عن تبليغ الشريعة و تقويم الزيف - عند سكوته عن سلوك يواجهه ارتضاء ذلك السلوك، و هذا ظهور حالى، و تكون الدلالة حينئذ استظهارية و لا تخضع لجملة من الشروط التى يتوقف عليها الأساس العقلى.

دلالت سکوت بر رضایت

نحوه عملکرد معصوم در مورد رفتار معینی که از دیگران سر می‌زند، به دو گونه می‌تواند باشد:

(الف) در قبال این رفتار، سخن بگوید و موضع شریعت را ابراز نماید، در این صورت، در مورد این رفتار معین، دلیل شرعی لفظی داریم؛ چون معصوم در مورد آن سخن گفته است.

(ب) در قبال رفتاری معین، سکوت اختیار کند و چیزی نگوید. در چنین مواردی این سؤال مطرح می‌شود که آیا سکوت معصوم دلالت بر امضا و تأیید او می‌کند؟ پاسخ به این سؤال بر اساس ملازمه عقلی و نیز بر اساس ظهور حال (استظهار) بیان شده است.

تطبیق

دلالة السکوت و التقریر. و اما السکوت فقد یقال: إنه دلیل الإمضاء

دلالت سکوت و تقریر معصوم (بر رضایت او و در نتیجه دلالت بر حکم شرعی. در مورد دلالت فعل معصوم مطالبی بیان شد؛) اما در مورد سکوت معصوم، چه بسا گفته شود که سکوت او دلالت بر تأیید دارد.

و توضیح ذلک، ان المعصوم إذا واجه سلوكا معینا، فاما ان یبدي موقف الشرع منه، و هذا^۱ یعنی وجود الدلیل الشرعی اللفظی،

توضیح اینکه سکوت معصوم دلالت بر امضا دارد به این صورت است که: هرگاه معصوم با رفتار معینی مواجه می‌شود، از دو حالت خارج نیست؛ یا موضع شرع در قبال آن رفتار را ابراز می‌کند، و این ابراز به معنای وجود دلیل شرعی لفظی در مورد این رفتار خاص است.

و اما ان یسکت، و هذا السکوت یمکن ان یعتبر دلیلا علی الإمضاء،

و یا اینکه (در قبال رفتار دیگران) سکوت می‌کند. این سکوت ممکن است به عنوان دلیلی بر امضا و تأیید محسوب گردد.

و دلالت^۲ علی الإمضاء تارة تدعی علی أساس عقلی، و أخرى علی أساس الظهور الحالی.

دلالت سکوت بر امضا، به دو گونه ادعا شده است: بر اساس ملازمه عقلی و بر اساس ظهور حال.

Sco۱: ۵:۱۱

دلالت سکوت، بر اساس ملازمه عقلی

بیان شد که دلالت سکوت معصوم بر امضا و تأیید، بر دو اساس عقلی و استظهاری ادعا شده است. در توجیه این دلالت بر اساس استدلال عقلی تلاش می‌شود تا میان سکوت معصوم و امضای او، یک ملازمه عقلی برقرار شود و به تعبیر دیگر، اثبات شود که به ملازمه عقلی، سکوت معصوم کاشف از امضای اوست. این ملازمه عقلی به دو شکل تبیین شده است.

۱. مشار الیه: ابداء موقف الشرع.

۲. مرجع ضمیر: هذا السکوت.

تبیین عقلی اول

معصوم، انسان مکلفی است که به هیچ وجه مرتکب عصیان و خطا نمی‌شود. اگر سلوک معینی که در مرآی و مسمع معصوم انجام می‌شود، مورد رضایت معصوم و منطبق بر شریعت نباشد، دو صورت دارد: یا معصوم، مکلف به نهی از منکر است و یا مکلف به تعلیم و ارشاد جاهل.

اگر رفتاری که معصوم با آن مواجه شده است، فعل حرام و عالمانه و عامدانه باشد، مصداق عصیان بوده و معصوم مکلف به نهی از منکر است؛ و اگر این فعل حرام، از روی جهل انجام شود، معصوم مکلف به تعلیم جاهل می‌باشد. اما هنگامی که معصوم، در قبال رفتاری معین سکوت پیشه کرده و هیچ گونه اعتراض و ردعی نشان نمی‌دهد، کشف می‌شود که این رفتار، نه معصیت است و نه رفتاری جاهلانه؛ بلکه عملی است که مورد امضا و تأیید معصوم می‌باشد. بدین ترتیب ملازمه‌ای عقلی بین عدم اعتراض و نهی معصوم با رضایت او به این سلوک معین به اثبات می‌رسد.

تطبیق

اما الأساس العقلی فیمكن توضیحه: إِمَّا بِمَلاحِظَةِ المَعصُومِ مَکلفًا،

(دلالت سکوت بر امضا) بر اساس عقلی را (به دو گونه) می‌توان توضیح داد. بیان اول، با توجه به این نکته می‌باشد که معصوم، انسانی مکلف است.

فیقال: إن هذا السلوك لو لم يكن مرضيا لوجب النهي عنه على المعصوم لوجوب النهي عن المنكر، أو لوجوب تعليم الجاهل،

پس گفته شود که: اگر این رفتار معین مورد رضایت معصوم نباشد بر او واجب است که از آن نهی کند؛ یا به سبب وجوب نهی از منکر و یا به سبب واجب شدن تعلیم جاهل.

فعدم نهیه^۱ و^۲ سکوت مع عصمته یکشف عقلا عن كون السلوك مرضيا،

بنابراین، نهی نکردن معصوم و سکوت او، با توجه به ویژگی عصمت، عقلاً کشف می‌کند که این رفتار خاص، مورد رضایت معصوم است.

تبیین عقلی دوم

امام معصوم، یک شارع هدف‌مند است که هدف پیاده‌سازی و تبیین شریعت را بر عهده گرفته است، و از آنجا که فردی عاقل و حکیم است، هیچ گاه غرض خود را نقض نکرده و بر خلاف هدفی که دارد مشی نمی‌کند.

با توجه به این مطلب، اگر سلوک و رفتاری که معصوم با آن مواجه شده است بر خلاف اغراض شریعت باشد، به هیچ عنوان در قبال این رفتار – که ناقض غرض شارعانه معصوم است – سکوت نمی‌کند؛ چون نقض غرض از

۱. مرجع ضمیر: المعصوم.

۲. عطف تفسیری.

شخص عاقل ملتفت پذیرفته نیست. اما اگر معصوم در قبال این رفتار سکوت پیشه کرد نشان می‌دهد که این رفتار با اغراض شارعانه معصوم هیچ گونه منافاتی ندارد.

تطبیق

و اما بملاحظة المعصوم شارعا و هادفا،

(بیان دیگری که بر اساس ملازمه عقلی است) با ملاحظه معصوم به عنوان شارعی هدف‌مند صورت می‌گیرد. فیقال: إن السلوك الذي يواجهه المعصوم لو كان يفوت^۱ عليه^۲ غرضه بما هو شارع لتعين الوقوف في وجهه،^۳ و لما صح السكوت لأنه نقض للغرض، و نقض الغرض من العاقل الملتفت مستحيل.

پس گفته می‌شود: رفتار معینی که معصوم با آن مواجه می‌شود، اگر به گونه‌ای باشد که باعث از بین رفتن غرض معصوم، به عنوان شارع باشد، لازم است که معصوم در برابر این سلوک، موضع بگیرد و سکوت او ناصحیح است.

Sco۲:۱۶:۰۵

شرایط ملازمه عقلی بین سکوت و امضا

ملازمه عقلی میان سکوت و امضای معصوم به دو گونه تبیین شد. در تبیین اول، معصوم را به عنوان مکلفی که خطا و عصیان در او راه ندارد در نظر گرفتیم و در تبیین دوم، ایشان را به عنوان شارعی هدف‌مند لحاظ نمودیم. باید توجه داشت که هر یک از این دو لحاظ، با شرایط خاصی می‌تواند ملازمه را به اثبات برساند.

طبق تبیین نخست – که معصوم را مکلف به نهی از منکر یا ارشاد جاهل دانستیم – لازم است که شرایط وجوب نهی از منکر یا ارشاد جاهل فراهم باشد؛ به عنوان مثال، اگر معصوم احتمال تأثیر ندهد و یا خوف ضرر داشته باشد، سکوت می‌کند، اما این سکوت دال بر تأیید نیست؛ بلکه به سبب فراهم نبودن شرایط نهی از منکر است.

تبیین دوم نیز – که معصوم را به عنوان شارعی هدف‌مند در نظر می‌گیرد که نقض غرض بر او محال است – تنها در مواردی قابل تطبیق است که غرض شرعی فعلی معصوم در معرض تفویت قرار گرفته باشد. به طور کلی رفتاری که معصوم با آن مواجه می‌شود چند حالت دارد:

گاه رفتاری که معصوم با آن مواجه است، هیچ گونه ارتباط مستقیم یا غیر مستقیمی با حوزه شریعت ندارد. در این صورت معصوم می‌تواند در قبال این رفتار سکوت کند؛ هر چند که راضی به این رفتار نباشد.^۴

در مواردی غرض شرعی معصوم به فعلیت نرسیده است؛ مثلاً غرض معصوم در دوران غیبت کبری در آن حد از فعلیت نیست که در قبال رفتار دیگران نظر خود را ابراز کند. هم‌چنین اموری که از طریق علم غیب به اطلاع

^۱. مرجع ضمیر فاعلی: «السلوك» یا «سكوت المعصوم».

^۲. مرجع ضمیر: المعصوم.

^۳. مرجع ضمیر: السلوك.

^۴. با توجه به گستردگی و جامعیت شریعت اسلام، به راحتی نمی‌توان نمونه‌ای یافت که هیچ گونه ارتباط مستقیم و یا غیر مستقیمی با شرع نداشته باشد. شاید بتوان اموری نظیر نوع مصالح به کار رفته در ساختمان را به عنوان مثالی برای این فرض مطرح نمود.

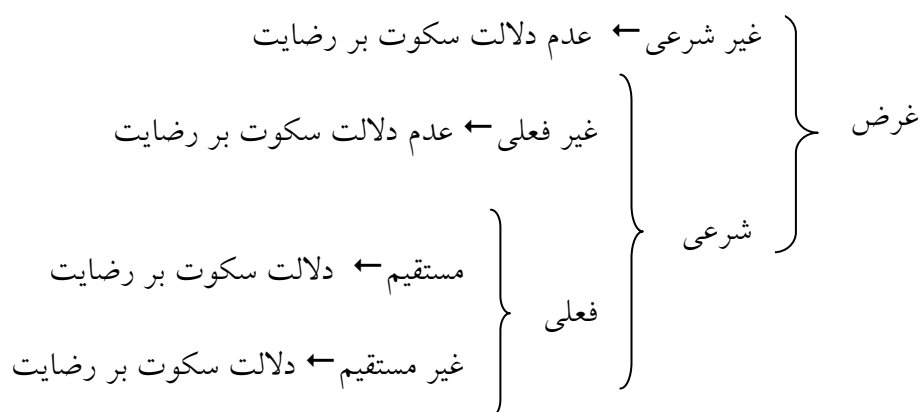
معصوم می‌رسد معمولاً به گونه‌ای است که موضع‌گیری در قبال آن بر امام معصوم لازم نیست. لذا در صورت فعلی نبودن غرض شرعی نیز، سکوت معصوم به معنای رضایت او نمی‌باشد.

اما در دو حالت، سکوت معصوم به عنوان شارع هدف‌مند، دال بر رضایت اوست؛

یکی اینکه سلوک مورد نظر، به طور مستقیم بر خلاف غرض شرعی فعلی معصوم باشد؛ به عنوان مثال، در امور شرعی به خبر واحد ترتیب اثر داده شود و این رفتار در مرآی و مسمع معصوم صورت گیرد. در این فرض، اگر عمل به خبر واحد در شرعیات، منجر به نقض غرض شارعانه معصوم شود، بر او لازم است که از آن ممانعت کند. بنابراین اگر معصوم اعتراض نکرد، سکوت او دال بر رضایت و تقریر شرعی است.

حالت دیگری که سکوت، دلیل بر رضایت می‌باشد، این است که سلوکی به طور مستقیم، داخل در شرعیات نباشد، اما به گونه‌ای باشد که رواج آن بتواند بر حوزه شرعیات هم تأثیرگذار باشد. مثلاً عمل به خبر واحد در امور روزمره و عرفی، اگر به صورت گسترده‌ای رواج یابد، احتمال دارد که به امور شرعی نیز سرایت کند. لذا اگر عمل به خبر واحد در امور شرعی، مورد رضایت معصوم نباشد، باید قبل از سرایت این رفتار از امور عرفی به امور شرعی، اقدام به پیش‌گیری نموده و موضع شرع در این زمینه را تبیین کند.

FG



تطبیق

و كل من اللّٰحاظين له شروطه، فاللّٰحاظ الأول يتوقف على توفر شروط وجوب النهي عن المنكر.

هر یک از دو لحاظ (مكلف عاری از خطا و عصیان و شارع هدف‌مند) شروطی دارد. لحاظ نخست، متوقف بر فراهم آمدن شرایط وجوب نهی از منکر (و یا ارشاد جاهل) است.

و اللّٰحاظ الثانی يتوقف على ان يكون السلوك المسكوت عنه مما يهدد بتفويت^۱ غرض شرعی فعلی

و لحاظ دوم متوقف است بر اینکه رفتاری که معصوم در قبالش سکوت کرده، از بین رفتن غرض شرعی فعلی معصوم را تهدید کند؛

بان^۱ يكون مرتبطا بالمجال الشرعی مباشرة، كالسلوك القائم على العمل بأخبار الآحاد الثقات فی الشرعیات،

^۱. باء تعدیه.

(تهدید غرض شرعی و فعلی معصوم دو حالت دارد؛ یکی) اینکه رفتار مورد نظر، مستقیماً مرتبط با عرصه شرعی باشد؛ مانند عمل به خبرهای واحد ثقة در امور شرعی.

أو^۲ ناشئاً من نکتة تقتضی بطبعها الامتداد إلى المجال الشرعی علی^۳ نحو يتعرض الغرض الشرعی للخطر و التفتوت، (حالت دوم:) یا اینکه این سلوک ناشی از نکته‌ای باشد که به طبیعت خود، مقتضی سریان به عرصه شرعی را دارا باشد (به تعبیر دیگر، دارای ویژگی خاصی است که استعداد تأثیرگذاری بر حوزه شریعات را دارد)؛ به گونه‌ای که غرض شرعی را در معرض خطر و از بین رفتن قرار می‌دهد.

كما لو كان العمل باخبار الآحاد قائماً في المجالات العرفية، و لكن بنکة تقتضی بطبعها تطبيق ذلك^۴ علی الشریعات أيضاً عند الحاجة.

مثل اینکه عمل به خبرهای واحد در امور عرفی رایج باشد، لکن عمل به خبر واحد در امور عرفی به سبب نکته‌ای^۵ باشد که طبیعتش اقتضا دارد که این رفتار، هنگام نیاز، در امور شرعی نیز جریان پیدا کند.

Scor: ۳۰:۰۰

دلالت سکوت، بر اساس ظهور حال

طبق آنچه گذشت، بر دو اساس می‌توان سکوت معصوم را دال بر رضایتش دانست؛ اساس عقلی و اساس استظهاری. اساس استظهاری، مبتنی بر ظهور حال معصوم است. معصوم، به این عنوان که مسئول عام^۶ در تبلیغ شریعت و جلوگیری از انحرافات است، هرگاه با رفتاری خلاف شرع مواجه شود، باید واکنش نشان دهد؛ اما اگر سکوت کرد، ظاهر حال او به عنوان مسئول شریعت، نشان می‌دهد که این رفتار منافاتی با شریعت ندارد.

ویژگی استدلال بر اساس ظهور حال این است که به برخی از شروطی که در استدلال بر اساس عقل لازم بود، نیازی ندارد؛ مثلاً لازم نیست شرایط وجوب نهی از منکر فراهم باشد تا ظاهر حال معصوم، دلالت بر امضا و تأیید او کند. بلکه همین قدر که او مسئول عام در قبال شریعت است. این الزام را بر دوش او می‌افکند که در قبال انحرافات که با آن مواجه می‌شود اعتراض کند؛ پس اگر سکوت کرد، ظاهر حال او دلالت بر امضا و تأیید دارد.

۱. باء بیانیه؛ بیان «کون السلوک المسکوت عنه مما یهدد...».

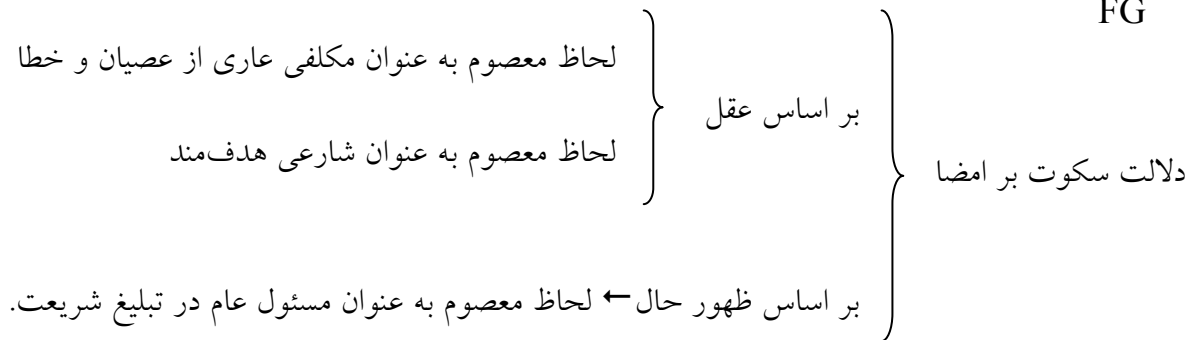
۲. معطوف علیه: مرتبطاً.

۳. متعلق: الامتداد.

۴. مشارالیه: العمل.

۵. مثلاً کاشفیت خبر واحد ثقة از واقع که باعث جلب اعتماد عقلاً در عمل به خبر واحد ثقة شده است.

۶. امام معصوم، مسئولیت تمام بخش‌های شریعت را از جانب خداوند متعال بر عهده دارد و به تعبیر دیگر، دارای ریاست عامه است.



تطبیق

و اما الأساس الاستظهاری فیقوم علی دعوی

(دلالت سکوت معصوم بر رضایت او) بر اساس ظهورگیری، مبتنی بر این مدعاست که:

ان ظاهر حال المعصوم - بوصفه المسئول العام عن تبلیغ الشریعة و تقویم الزیغ - عند سکوت عن سلوک یواجهه^۱ ارتضاء^۲ ذلک السلوک،

ظاهر حال معصوم، به این عنوان که مسئول عمومی در تبلیغ شریعت و اصلاح کردن انحراف می باشد، این است که اگر در برابر رفتاری سکوت کرد، به آن رفتار رضایت دارد.

و هذا ظهور حالی، و تكون الدلالة حينئذ استظهارية و لا تخضع لجملة من الشروط التي يتوقف عليها الأساس العقلي.

این استدلال، یک ظهور حال محسوب می شود و دلالت بر اساس ظهور گیری شکل می گیرد، و (در نتیجه) این استظهار، به برخی از شروط که استدلال عقلی بر آنها متوقف بود، منوط نمی باشد.

Sco۴: ۳۶:۴۳

^۱. مرجع ضمیر فاعلی: المعصوم؛ مرجع ضمیر مفعولی: سلوک.

^۲. خبر «أن».

چکیده

۱. دلالت سکوت معصوم در قبال رفتار دیگران بر رضایت و تأیید او، بر دو اساس عقلی و استظهاری تبیین شده است.
۲. دلالت سکوت بر رضایت بر اساس عقل، به دو گونه بیان شده است:
 الف) معصوم، مکلفی عاری از عصیان و خطاست؛ پس در صورتی که سلوک دیگران، بر خلاف شریعت باشد، بر معصوم نهی از منکر یا ارشاد جاهل واجب می‌شود. بنابراین سکوت او دالّ بر تأیید است.
 ب) امام معصوم، شارعی هدف‌مند است و هیچ گاه نقض غرض نمی‌کند؛ پس اگر رفتاری ناقض غرض شرعی معصوم باشد حتماً امام در برابر آن موضع‌گیری می‌کند. بنابراین سکوت او دالّ بر تأیید اوست.
۳. بر اساس استظهار حال معصوم گفته می‌شود که ظاهر حال معصوم، مسئولیت عام او در قبال شریعت و جلوگیری از انحرافات است؛ پس سکوت او ظهور در رضایت و تأیید دارد.
۴. دلالت سکوت بر امضا بر اساس عقل، منوط به شرایطی است، مانند شرایط وجوب نهی از منکر یا فعلیت غرض معصوم؛ در حالی که بر اساس استظهاری، چنین شرایطی لازم نیست.